

مؤسس وهابیت: اگر به حجره پیامبر دسترسی پیدا کنم آن را خراب می‌کنم

پژوهشگر مسائل وهابیت ضمن بیان 14 مورد از آثار منفی تفکرات وهابیت تکفیری گفت: محمد بن عبدالوهاب گفته بود اگر دسترسی بر حجره پیامبر(ص) پیدا کنم آن را خراب خواهم کرد.



گفتگوی مشروح فارس با علی اصغر رضوانی/3 و پایانی

مؤسس وهابیت: اگر به حجره پیامبر دسترسی پیدا کنم آن را خراب می‌کنم

پژوهشگر مسائل وهابیت ضمن بیان 14 مورد از آثار منفی تفکرات وهابیت تکفیری گفت: محمد بن عبدالوهاب گفته بود اگر دسترسی به حجره پیامبر(ص) پیدا کنم آن را خراب خواهم کرد. به گزارش خبرنگار آیین و اندیشه خیرگزاری فارسی، جهت آشنایی با وهابیت، گفتگوی مشروحی با «علی اصغر رضوانی» نویسنده کتاب‌های مختلف درباره وهابیت و سلفی‌گری مانند «رفتار وهابیان با مسلمانان»، «خدای مجسم وهابیان»، «ابن تیمیه از دیدگاه اهل سنت»، «پرهیز از اندیشه‌های تکفیری»، «زیارت پیامبر و اولیاء» و «عقل از منظر وهابیان» انجام دادیم که بخش اول و دوم آن از نظر گذشت. در این شماره، بخش سوم و پایانی گفت‌وگو را تقدیم مخاطبان ما می‌کنیم.

عوامل موفقیت محمد بن عبدالوهاب

با اینکه وهابی‌ها رفتار مناسبی با مردم نداشتند، عوامل پیشرفت وهابیان در «نجد» چه بود؟

عواملی در موفقیت او دخالت داشت:

1. حمایت حاکم نجد: بعد از آنکه محمد بن سعود که امیر بخشی از نجد بود به یاری او شتافت کارش رونق گرفت و رو به توسعه نهاد و اتباع فراوانی پیدا کرد.
2. محمد بن عبدالوهاب جنگ با مخالفان خود را جهاد معرفی کرد و جزء اصول کار خود قرار داد؛ به این نحو که اتباع او به قبایل و نواحی دیگر حمله برند و پس از غلبه بر دشمنان، اموال آنان را غارت و سرزمینشان را تصرف نمایند. بادیه‌نشینان که به این امور عادت داشتند بدان روی آوردند به ویژه که اغلب آنان با یکدیگر دشمن بودند.
3. محمد بن عبدالوهاب، مدعی دعوت به اسلام و سیره سلف صالح بود و وانمود می‌کرد که در صورت متابعت از او همانند صحابه پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) و تابعین خواهند بود.
4. وی با سخنان خود این احساس را در اعراب به وجود می‌آورد که تنها اوست که موحد و مسلمان واقعی و اهل بهشت است و در صورتی که در راه او کشته شوند و یا بکشند سعادت ابدی نصیبشان خواهد شد.
5. در آن زمان، منطقه «نجد» نقطه دور افتاده‌ای بود که کمتر کسی به آنجا می‌رفت و به ندرت کسی از نجدیان به خارج مسافرت می‌نمود. ساکنان «نجد» مردمی بودند در حال بساطت و سادگی و بی‌خبری از همه جا و اذهانشان از آنچه در دنیا می‌گذشت خالی بود و کمتر فکر و عقیده‌ای به ذهنشان می‌رسید. طبیعی است که چنین مردمی خیلی زود تحت تأثیر تعلیمات محمد بن عبدالوهاب قرار گیرند و با تعصب از آن دفاع کنند و حتی از بذل جان خود در راه او دریغ نمایند.

دشمنی ابن تیمیه با امام علی (ع)

مهمترین فردی که وهابی‌ها در اعتقادات خود از او پیروی کرده‌اند ابن تیمیه است. علمای اهل سنت در مورد این شخص چه نظری دارند؟

بسیاری از علمای اهل سنت که معاصر با ابن تیمیه بودند به مخالفت با ابن تیمیه پرداختند.

حسن بن فرحان مالکی در این مورد می‌گوید: ابن تیمیه در عصرش به جهت دشمنی با علی (علیه السلام) محاکمه شد و مخالفین از علمای عصرش او را متهم به نفاق کردند ولی در آن به خطا رفتند و او را متهم به عداوت با اهل بیت (علیهم السلام) نمودند و در بسیاری از موارد به واقع رسیدند؛ چرا که او می‌گوید: علی به جهت ریاست جنگید نه به جهت دیانت. و گمان او که اسلام علی مورد شک است؛ چرا که کودکی کم سن بوده است، و تواتر اسلام معاویه و یزید بن معاویه از تواتر اسلام علی مهم‌تر است، و اینکه علی، خوار شده است، و دیگر کلمات زشت و پست که در کتابش به نام «منهاج السنه» باقی مانده است. و اگر این گفته‌ها نصب و دشمنی با حضرت علی نباشد پس در دنیا دشمنی نیست.

وی همچنین می‌گوید: ...ابن کثیر تا حدود زیادی نصب و عداوت اهل بیت (علیهم السلام) را در دل داشت، و ذهبی نیز تا حدودی چنین بود. ولی دشمنی ابن تیمیه نسبت به اهل بیت آن قدر زیاد بود که بحث‌کننده منصف نمی‌تواند آن را انکار نماید، و لذا او مشهور به ناصبی بودن است و کتاب‌های او نیز بر این مطلب گواهی می‌دهد، و بدین جهت علمای هم عصرش او را به جهت اموری از آن جمله بغض علی (علیه السلام) محاکمه نمودند، با اینکه غیر او از حنابله را محاکمه نکردند در حالی که در آنان نیز نصب و عداوتی بود که از ابن بطه و ابن حامد و بر بهاری و ابن ابی یعلی و دیگران به ارث برده بودند، و مدرسه شام که عثمانی هستند اثر بسیاری بر حیات علمی ما در خلیج گذاشته است، و بدین جهت است که ما حساسیت فراوانی نسبت به مدح و ثنای بر امام علی یا حسین داشته و میل شدید به بنی‌امیه داریم، پس آگاه باش.

محمد زاهد کوثری نیز می‌گوید: اگر بگوییم که اسلام در دوران‌های اخیر به کسی مبتلا نشده که ضررش از ابن تیمیه در تفرقه بین مسلمین بیشتر باشد، هرگز در این امر مبالغه نکرده‌ایم. او کسی بود که به آسانی با یهود و نصارا مسامحه داشت و درباره کتاب‌های

آنها می‌گویند که تحریف لفظی نشده است، و لذا مستشرقان به آن توجه کرده‌اند. او مردی تند مزاج بوده و سرسختانه بر فرقه‌های اسلامی علی‌الخصوص شیعه حمله می‌نمود.

علمای بسیاری از مذاهب اسلامی با وهابی‌ها به مبارزه برخاستند

بعد از مخالفت علمای اهل سنت با ابن تیمیة آیا در میان علمای اهل سنت کسانی هستند که به مقابله با فرقه وهابیت پرداخته باشند؟

بله، بعد از ظهور افکار وهابیان توسط محمد بن عبدالوهاب در شبه جزیره عربستان و مقابله آنان با مسلمانان، علمای بسیاری از مذاهب اسلامی با شیوه‌های گوناگون از جمله مناظره، تألیف کتاب و هدایت مردم با آنان به مبارزه برخاسته و درصدد جلوگیری از پیشرفت افکار آنان برآمدند و در این راه تمام پیروان مذاهب اسلامی اعم از شیعه و سنی شرکت داشته‌اند. دکتر عبدالله بن عثیمین از وهابیان حجاز می‌گوید: رساله‌های شخصی شیخ امام محمد بن عبدالوهاب روشن می‌کند که فعالیت‌های معارضان او در سرزمین نجد گسترده و همه‌جانبه بوده است، و در مقدمه همه این فعالیت‌ها کتاب‌ها و نوشته‌هایی بوده که بر ضد او به رشته تحریر در آمده است، و کسی که در این رساله‌ها تأمل کند پی به کثرت این نوشته‌ها خواهد برد. تعداد افرادی که مخالف وهابیت بودند بسیار زیاد است. بنده به تعدادی از علمایی که به نقد و مقابله با وهابیت پرداخته‌اند اشاره می‌کنم:

1. سلیمان بن احمد بن سحیم عنزی که از مخالفان سرسخت دعوت سلفیه توسط محمد بن عبدالوهاب بوده است. حسین بن غنام درباره او می‌گوید: تندترین مردم و علما در انکار بر محمد بن عبدالوهاب و بزرگ‌ترین عیب‌گیرنده و تخریب‌کننده چهره او، سلیمان بن سحیم و پدرش محمد است، او در این راه اهتمام ویژه داشت و موفق شد و در تحریک و تشویق مردم کوشش فراوان نمود و حتی برای رسیدن به مقصد خود کسی به سوی احساء و مدینه و مکه و بصره فرستاد.

اگر دسترسی بر حجره پیامبر(ص) پیدا کنم آن را خراب خواهم کرد

درباره محمد بن عبدالوهاب می‌نویسد: از جمله اینکه او کتاب «دلایل الخیرات» را سوزاند به جهت آنکه در آن لفظ «سیدنا و مولانا» بر پیامبر اطلاق شده بود. و نیز کتاب «روض الریاحین» را سوزانید و گفت این کتاب روض الشیاطین است. از آن جمله به نقل صحیح از او رسیده که می‌گفت: اگر دسترسی بر حجره پیامبر پیدا کنم آن را خراب خواهم کرد... و از آن جمله اینکه گفته درود فرستادن بر پیامبر روز و شب جمعه بدعت و ضلالت است و گوینده آن به دوزخ خواهد افتاد.

2. عبدالله بن عیسی مشهور به مویس. وی در «نجد» متولد شد و علم را در «شام» فرا گرفت. او دشمنی شدید با دعوت محمد بن عبدالوهاب داشت، و در سال 1175 ه. ق وفات یافت.

از رسائل محمد بن عبدالوهاب استفاده می‌شود که عبدالله بن عیسی قاضی درعیه و مبلغ آن دیار بوده و عالم بزرگی به شمار می‌آمده است؛ زیرا محمد بن عبدالوهاب در رساله‌اش درباره‌اش می‌گوید: در بین علمای نجد و غیر نجد، برتر از عبدالله بن عیسی نمی‌شناسیم. عبدالعزیز محمد بن علی العبد الوهاب درباره او می‌گوید: از شدیدترین دشمنان و معاندان و قیام‌کنندگان بر ضد محمد بن عبدالوهاب، عبدالله بن عیسی مویس است و دشمنی و خصومت او از لابه‌لای رساله‌های شیخ که به برخی از آنها اشاره کردیم ظاهر و آشکار می‌شود.

دکتر عبدالله بن عثیمین می‌گوید: از رساله‌های شخصی محمد بن عبدالوهاب به وضوح دست می‌آید که دعوت او با معارضه شدیدی از ناحیه برخی از علمای نجد روبرو شده است و کسی که دنبال کننده آن باشد به دست می‌آورد که بیش از بیست عالم یا طلبه در یک وقت در مقابل او صف کشیده‌اند که پیشاپیش آن معارضین، «عبدالله مویس» از منطقه حرمة و «سلیمان بن سحیم» از منطقه ریاض بوده است. و از این رساله‌ها استفاده می‌شود که معارضان محمد بن عبدالوهاب از نجدی‌ها موقف‌های مختلفی داشته‌اند، زیرا برخی از آنها با او به معارضه پرداخته و ادامه داده‌اند مثل مویس.

شیطان بر محمد بن عبدالوهاب سبقت گرفته است

3. محمد بن عبدالله بن فیروز

محمد بن عبدالله بن فیروز از علمای نجد است که در احساء به سال 1142 ه. ق متولد شده و در نجد سکنی گزید. وی دارای اساتید و شاگردان زیادی بوده و در بسیاری از علوم مهارت داشته و در سال 1216 ه. ق در بصره وفات یافته است. وی درباره محمد بن عبدالوهاب می‌گوید: گویا شیخ یعنی محمد بن عبدالوهاب غافل شده و شیطان بر او سبقت گرفته و پدر این مرد رانده از درگاه الهی شده است...

عبدالعزیز محمد بن علی العبد اللطیف در کتاب «دعاوی المناوئین» درباره محمد بن عبدالله بن فیروز می‌نویسد: و لکن محمد بن فیروز دشمنی و قیام او بر ضد این دعوت به حدی رسیده که قابل توصیف نیست، و لذا یکی از دشمنان این دعوت، یعنی حداد او را مدح کرده است.

4. یعقوب دوکوری که از علمای اهل سنت کشور مالی است در کتاب «ثلاث رسائل» رساله‌ای را درباره برپایی مراسم مولودی خوانی دارد و در آن بحث‌هایی را بر ضد عقاید وهابیان بیان کرده است. وی در بسیاری از مسایل فقهی فتوا بر خلاف وهابیان داده است، از قبیل:

حکم به جواز ساختن مسجد بر قبور اولیا.

حکم به جواز روشن کردن چراغ و شمع بر قبور اولیا.

حکم به جواز نمازخواندن در مسجدی که بر شخص صالحی بنا شده، به قصد تبرک به آثار او و استجابت دعایش.

حکم به جواز استعانت از ارواح اولیا در طلب نزول خیرات، و رفع گرفتاری‌ها و اینکه روح انسان بعد از مرگ به بدنش تعلقاتی دارد.

اعتقاد به اینکه ارواح اولیا تأثیراتی در احوال عالم دارند. زیارت مرقد‌های اولیا موجب فیوضات انوار بسیاری بر زائران آنها می‌شود. حکم به جواز صدا زدن پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) در عالم برزخ به جهت برطرف شدن گرفتاری‌ها و جواز توسل به ذات آن حضرت.

تمام اموات صدای زنده‌ها را می‌شنوند، و آیات نافی سماع اموات، مربوط به مشرکان است.

تفکرات و هابیت تکفیری

آثار منفی تفکرات و هابیت تکفیری را بیشتر توضیح دهید.

آثار منفی تفکرات و عملکرد و هابیت تکفیری مثل روز و خورشید، روشن و واضح است. مثلا:

1. حکم به مباح بودن خون و جان افرادی که تکفیر شده‌اند، و لذا دست به اقدام عملی زده و افراد تکفیر شده، کشته می‌شوند.
2. به غارت بردن اموال افراد تکفیر شده.
3. هتک حرمت نسبت به نوامیس افراد تکفیر شده از آن جهت که شخص کافر عقدش باطل شده و سلطه‌ای بر همسر و دختران خود ندارد.
4. خارج شدن اولاد او از سلطه‌اش.
5. از بین رفتن سلطه او در جامعه اسلامی در صورتی که حاکم باشد.
6. وجوب محاکمه در برابر محکمه قضای اسلامی به جهت اجرای حد مرتد برای او.
7. عدم اجرای احکام مسلمانان برای بعد از مرگ او، از غسل و کفن و دفن و ارث.
8. ضرر رساندن به جامعه و ایجاد ناامنی در آن، به جای اصلاح و پیشرفت..
9. جلوگیری کردن از شرکت در امور نظام اجتماعی و وجوب ترک وظایف حکومتی از آن جهت که باعث تقویت حکومت کفر می‌شود.
10. ترک دشمن خارجی و مشغول شدن به مبارزه با حکومت کفر و افراد پشتیبان از آن.
11. رها کردن اصلاح جامعه و کار مثبت نکردن و به جای آن تکفیر و حکم به قتل کردن.
12. ایجاد اختلافات شدید در جامعه.
13. بیزار کردن مردم از اصل دین اسلام و بد جلوه دادن آن.
14. استفاده ابزاری کفار و دشمنان اسلام از این‌گونه افراد به جهت ضربه زدن به اسلام و مشوه ساختن چهره واقعی آن.

یکی از عوامل تکفیر، جهل به قرآن و روایات پیامبر (ص) است

به طور خلاصه اگر بخواهیم عوامل تفکر تکفیری را بشناسیم، به نظر شما به چه عواملی می‌توان اشاره کرد؟

ببینید فکر تکفیری افراطی، عوامل گوناگونی دارد:

یکی از عوامل داخلی پیدایش فکر تکفیری، جهل به قرآن و آیات و روایات پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم و ائمه معصومین علیهم‌السلام و حتی کلمات علما و دانشمندان صاحب نظر است، و این جهل باعث می‌شود که هرکسی که هم عقیده او نیست را تکفیر کرده و حکم به قتل او کند، و آن را به اجرا بگذارد.

ابوحامد غزالی می‌گوید: مبادرت ورزیدن به تکفیر غلبه بر طبع‌هایی دارد که جهل بر آنها حاکم است. هرگاه مشاهده کردی فقیهی را که بضاعتش تنها فقه است و در تکفیر و نسبت گمراهی دادن به مردم فرو رفته از او اعراض کن، و قلب و زبانت را به آن مشغول نکن.

تعصب از عوامل فکر تکفیری

یکی دیگر از عوامل پیدایش فکر تکفیری، تعصب است؛ البته بین تعصب و تصلب دینی فرق است، اگر انسان به حق رسید باید بر حق پافشاری داشته باشد، ولی تعصب دینی مذموم است، به اینکه گمان‌ها و اوهام خود را حق دانسته بدون آنکه از مجاری صحیح آنها را به دست آورده باشد و هرچه که دیگران می‌گویند را اوهام و باطل بداند و در نتیجه همه را تکفیر کرده و خود را مسلمان پنداشته و دست به قتل و کشتار مخالفان خود بزند، این کار به طور حتم مورد مذمت خدا و رسول بوده و عقل نیز آن را محکوم می‌کند.

تکیه بر برداشت‌های شخصی از عوامل فکر تکفیری

یکی از مشکلات اساسی که باعث تکفیر دیگران می‌شود اکتفا به مطالعه ظاهر قرآن و سنت و تکیه بر برداشت‌های شخصی است بدون آنکه ابزار لازم برای رسیدن به این درجه را به دست آورده باشد و از افکار بزرگان دین و متخصصان اسلامی استفاده کند که این امر عامل بزرگی در رسیدن به فکر تکفیری افراطی است.

خودبزرگ‌بینی از عوامل فکر تکفیری

یکی دیگر از عوامل داخلی تکفیر، خودبزرگ‌بینی و اعجاب به خود و اعمال و علم خود است.

محمد بن علوی مالکی در این باره می‌گوید: از امور ظاهر و واضحی که تکفیری‌های مسلمانان به آن شناخته می‌شوند، یا بگو: آن کسانی که در تکفیر هرکس که مخالف آنان یا معارض با آنها در رأی یا اعتقادند؛ از پدیده‌هایی که جای انکار نیست، عجب آنان نسبت به خود و اعمالشان است. و عجب همان شروع خطرناکی است برای قبیح‌ترین صفتی که اسلام از آن نهی کرده و مردم را از آن بر حذر داشته است.

با تشکر از وقتی که در اختیار ما قرار دادید.

گفت‌وگو از محمد محمدپور